و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانى است که کافر شده [و حق‌پوشى کرده‌]اند، پس واى از آتش بر کسانى که کافر شده‌اند. (27) یا [مگر] کسانى را که گرویده و کارهاى شایسته کرده‌اند، چون مفسدان در زمین مى‌گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار مى‌دهیم؟ (28) [این‌] کتابى مبارک است که آن را به سوى تو نازل کرده‌ایم تا در [باره‌] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند. (29) و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه نیکو بنده‌اى. به راستى او توبه‌کار [و ستایشگر] بود. (30) هنگامى که [طرف‌] غروب، اسبهاى اصیل را بر او عرضه کردند، (31) [سلیمان‌] گفت: «واقعاً من دوستى اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد.» (32) [گفت: « اسبها] را نزد من باز آورید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا]. (33) و قطعاً سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدى بیفکندیم؛ پس به توبه باز آمد. (34) گفت: «پروردگارا، مرا ببخش و مُلکى به من ارزانى دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد، در حقیقت، تویى که خود بسیار بخشنده‌اى.» (35) پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم مى‌گرفت، به فرمان او نرم، روان مى‌شد. (36) و شیطانها را [از] بنّا و غواص، (37) تا [وحشیان‌] دیگر را که جفت جفت با زنجیرها به هم بسته بودند [تحت فرمانش درآوردیم‌]. (38) [گفتیم:] «این بخشش ماست، [آن را] بى‌شمار ببخش یا نگاه دار.» (39) و قطعاً براى او در پیشگاه ما تقرّب و فرجام نیکوست. (40) و بنده ما ایوب را به یاد آور، آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد.» (41) [به او گفتیم:] «با پاى خود [به زمین‌] بکوب، اینک این چشمه‌سارى است سرد و آشامیدنى.» (42)